

خمس

پرداخت خمس مال از فرائض دینی است و در هفت چیز بدین شرح واجب می گردد و تفصیل آن در مسائل ذیل می آید:

1. منافع کسب و کار **2.** معدن **3.** گنج **4.** مال حلال مخلوط به حرام **5.** اشیاء گرانبهایی که با غواصی از دریا به دست می آید. **6.** غنیمت جنگی **7.** زمینی که کافر ذمی از مسلمان می خرد.

1- منافع کسب و کار

مسئله 1 - اگر انسان از طریق زراعت یا صنعت یا تجارت و امثال آن یا از طریق کارگری و کارمندی و یا عضویت در مؤسّسات مختلف درآمدی به دست آورد، چنانچه از مخارج سال او و همسر و فرزندان و سایر کسانی که نفقه آنها را می دهد زیاد آید، واجب است خمس (یک پنجم) آن را به شرحی که بعداً گفته می شود بپردازد.

مسئله 2 - اگر انسان چیزی را به عنوان وام از دیگری بگیرد، آن مبلغ وام خمس ندارد، همچنین اموالی که به عنوان ارث به او می رسد مشمول خمس نیست، مگر این که بداند شخص میّت خمس آن را نداده است و یا این که به خاطر سایر اموالش بدهکار خمس است، اما اگر از کسی ارثی به او رسد که اطلاعی از چنین خویشاوندی و انتظاری درباره چنین ارثی نداشته، احتیاط واجب آن است که خمس آن را بپردازد.

مسئله 3 - اگر مالی را به او ببخشند و از مخارج سالش زیاد آید، احتیاط واجب آن است که خمس آن را بپردازد.

مسئله 4 - اگر ملکی را بر افراد معیّتی، مثلاً اولاد خود وقف نماید، چنانچه آن ملك درآمدی داشته باشد و از مخارج سال آنها زیاد بیاید باید خمس آن درآمد را بدهند.

مسئله 5 - چیزی را که افراد مستحق از مال خمس یا زکات می گیرند خمس ندارد، ولی اگر از مالی که از این طریق به او رسیده منفعتی ببرد، مثلاً از درختی که از باب خمس به او داده شده میوه ای به دست آورد باید خمس آن مقداری که از مخارج سالش زیاد آمده بپردازد.

مسأله 6 - اگر با عین پولی که سال بر آن گذشته و خمس آن را نداده جنسی بخرد، معامله نسبت به مقدار خمس باطل است، مگر این که حاکم شرع آن را اجازه دهد، در این صورت باید پنج يك جنسی را که خریده یا قیمت آن را به حاکم شرع بدهد.

مسأله 7 - هرگاه مالی را از شخصی بخرد که یقین دارد خمسش را نداده است، معامله او نسبت به مقدار خمس آن مال باطل است، مگر آن که حاکم شرع اجازه دهد که در این صورت خمس پول معامله را باید به او داد و اگر به فروشنده داده باشد باید از او بگیرد و به حاکم شرع دهد.

مسأله 8 - اگر چیزی را که خمس آن را نداده به دیگری ببخشد، مقدار خمس آن ملك او نمی شود و اگر بخواهد در آن تصرف کند باید خمس آن را بپردازد.

مسأله 9 - هرگاه مالی از طریق تجارت یا غیر آن به دست انسان برسد و نداند که صاحب آن خمس آن را داده یا نه، لازم نیست تحقیق کند و دادن خمس آن بر او واجب نیست.

مسأله 10 - اگر اجمالاً می دانیم کسی خمس نمی دهد ولی نمی دانیم خصوص مالی را که به ما داده خمس به آن تعلق گرفته یا نه، مثل این که احتمالاً اموالی از طریق ارث به او رسیده، یا وام گرفته و احتمال می دهیم این مال از آنها باشد، تصرف در چنین مالی اشکال ندارد و پرداخت خمس آن لازم نیست، همچنین قبول دعوت مهمانی این گونه اشخاص و یا نماز خواندن در خانه آنها جایز است، مگر این که یقیناً بدانیم غذایی را که تهیه کرده و یا خانه او از پولهایی است که خمس آن را نداده.

مسأله 11 - آغاز سال برای حساب خمس هر کسی اوّلین روزی است که درآمدی کسب می کند و نمی توان با قصد و نیت آن را جلو یا عقب انداخت و اگر بخواهد چنین کند باید حساب سال خود را زودتر از موعد معین برسد و خمس خود را بپردازد، همان وقت اوّل سال او خواهد شد.

مسأله 12 - انسان می تواند در اثناء سال هر وقت منفعتی به دستش آمد خمس آن را بدهد، ولی می تواند آن را تا آخر سال به تأخیر بیندازد تا مخارج احتمالی اش را از آن بردارد.

مسأله 13 - برای تعیین اول سال خمس، می توان معیار را سال شمسی یا قمری قرار داد.

مسأله 14 - کسی که درآمد اضافی ندارد و دخلش از خرج سالانه اش بیشتر نیست، نیاز به تعیین اول سال خمس ندارد.

مسأله 15 - کسی که سال خمس دارد اگر در وسط سال بمیرد باید مخارج او را تا موقع مرگش از منافع او کم کنند و خمس باقیمانده را بدهند.

مسأله 16 - اگر قیمت جنسی که برای تجارت خریده در اثناء سال بالا رود و روی ملاحظات تجارتي و کسب و کار آن را نفروشد و در بین سال قیمتش پایین آید، خمس مقداری که بالا رفته بر او واجب نیست، ولی اگر قیمت آن تا آخر سال همچنان بالا باشد باید سر سال خمس آن را بدهد، هر چند قیمت آن بعد از گذشتن سال پایین آید، این در صورتی است که آخر سال وقت فروش آن باشد و مانعی برای فروش نبوده و به میل خود آن را نگه دارد.

مسأله 17 - هرگاه غیر از مال التجاره مالی دارد که خمس آن را داده ولی قیمتش بالا رود، اگر آن را بفروشد باید خمس اضافه قیمت را پس از فروش بدهد، همچنین اگر گوسفندی را که خمسش داده چاق شود باید خمس آنچه زیاد شده را بعد از فروش بدهد.

مسأله 18 - اگر باغ یا مزرعه ای احداث کند برای آن که بعد از بالا رفتن قیمتش بفروشد چنانچه وقت فروش آن رسیده باشد باید خمس آن را بدهد، ولی اگر قصدش این باشد که از میوه و دیگر محصولات آن استفاده کند باید خمس میوه ها را بدهد و خمس خود باغ را هنگام فروش بدهد.

مسأله 19 - کسی که دارای چند کسب و کار است، مثلاً هم زراعت دارد و هم صنعت و هم درآمد کارگری، باید منافع همه را در آخر سال یکجا حساب کند، چنانچه چیزی زاید بر مخارج سالانه داشت خمس آن را بدهد.

مسأله 20 - هزینه زندگی خمس ندارد، یعنی آنچه را انسان از درآمدش در بین سال مصرف خوراک و پوشاک و مسکن و اثاث خانه و ازدواج و جهیزیه دختر و زیارت واجب یا مستحب و بذل و بخشش و میهمانی و مانند آن در حد متعارف می کند، خمس ندارد و تنها آنچه در آخر سال زیاد می آید خمس دارد.

مسأله 21 - هرگاه چیزی جزء مؤونه سال گردد و بر همین اساس خمس آن پرداخت نشود، مانند خانه و فرش و وسایل دیگر، اگر بعداً آن را بفروشند، در صورتی که بخواهند آن را تبدیل به مثل کنند، به قیمت آن خمس تعلق نمی گیرد، مگر اینکه پس از تبدیل به مثل، مقداری از مبلغ جنس فروخته شده زیاد بیاید که در این صورت، باید خمس آن مبلغ زیادی را بپردازند.

مسأله 22 - اموالی را که انسان به مصرف نذر و کفاره و صدقه و مانند آن می رساند جزء مخارج سالیانه او محسوب می شود.

مسأله 23 - کسی که نیاز به خانه ملکی دارد، مبلغی را که صرف خرید خانه می کند خمس ندارد، ولی اگر درآمد سالش برای خرید خانه کفایت نکند و مجبور باشد چند سال پس انداز کند تا قادر به تهیه خانه شود پولهایی که سال بر آنها گذشته خمس دارد، اما اگر مثلاً زمین خانه را در اثناء سال

اول از محل درآمد همان سال بخرد و مصالح ساختمانی را در اثناء سال بعد و اجرت بنا را در سال سوم بدهد هیچ کدام خمس ندارد.

مسأله 24 - کسی که قبر یا کفن را از پولی که خمس نداده از قبل برای خود می خرد چنانچه سال بر آن بگذرد خمس دارد.

مسأله 25- هر مالی را که يك بار خمس آن را بدهند دیگر خمس به آن تعلق نمی گیرد، مگر این که نمو کند یا قیمت آن اضافه شود، در این صورت خمس فقط به مقدار اضافه شده تعلق می گیرد.

مسأله 26 - کسی که درآمدی از کسب و کار به دست آورده اگر مال دیگری هم دارد که خمس آن واجب نیست یا خمس آن را داده، می تواند مخارج سال خود را فقط از فایده کسب آن سال محاسبه کند.

مسأله 27 - اگر در اثناء سال وسایل مورد نیاز خود را بخرد خمس ندارد و اگر برای مدتی از آن وسایل بی نیاز شود خمس دادن آن لازم نیست، همچنین زیور آلات زنانه اگر بعد از گذشتن سن و سالی از زن، مورد استفاده او نباشد خمس به آن تعلق نمی گیرد، ولی اگر آن وسایل یا زیور آلات فروخته شود باید خمس آن را پرداخت.

مسأله 28 - کتابهایی را که طلاب علوم دینی و دانشجویان یا غیر آنها از درآمد کسب و کار می خرند چنانچه مورد نیازشان باشد خمس ندارد، ولی اگر فعلاً نیازی به آن ندارند و مقصودشان استفاده در سالهای آینده است خمس به آن تعلق می گیرد، و در صورتی که در تمام طول سال از آن استفاده نکنند، ولی وجود آن کتاب برای مواقع ضروری در کتابخانه لازم است، نیاز محسوب می شود، همچنین وسایلی مانند اسباب آتش نشانی در جاهایی که بیم آتش سوزی است یا داروهای ضروری و کمکهای اولیه در خانه جزء هزینه های زندگی محسوب می شود و خمس ندارد هر چند اتفاقاً در تمام سال از آنها استفاده نشود.

مسأله 29 - اگر در ابتدای سال درآمدی نداشته باشد و از سرمایه خرج کند، اما پیش از تمام شدن سال منفعتی ببرد، در این صورت می تواند آنچه را از سرمایه برداشته از درآمد کم کند.

مسأله 30 - اگر چیزی از اصل سرمایه به خاطر کسب و کار از بین برود بطوری که جزء ضرر معامله حساب شود، می تواند مقدار آن را از منافع بردارد، ولی اگر به واسطه حوادث دیگری مانند سرقت وامثال آن از بین برود، نمی تواند آن را از منافع کم کند، مگر این که با سرمایه باقیمانده نتواند کسبی که مناسب اوست انجام دهد.

مسأله 31 - اگر غیر از اصل سرمایه چیز دیگری از اموال او به خاطر شکستن و سوختن و سرقت و غیر آن از بین برود، در صورتی که در همان سال به آن احتیاج دارد می تواند آن را از منافع همان سال تهیه کند.

مسأله 32 - اگر در ابتدای سال برای مخارج خود قرض کند و قبل از تمام شدن سال منفعتی ببرد می تواند مقدار قرض خود را از آن منفعت کسر نماید و اگر در تمام سال منفعتی نبرد و برای مخارج خود قرض نماید می تواند قرض خود را از منافع سالهای بعد ادا کند.

مسأله 33 - قرضهایی که بر ذمه انسان آمده خواه برای هزینه زندگی باشد یا خسارت و غرامت و یا غیر اینها، می تواند از درآمد سال، آنها را ادا کند، ولی قرضهایی را که به اقساط می پردازد، فقط قسطهایی را که در آن سال باید بپردازد جزء مخارج همان سال محسوب می شود.

مسأله 34 - اگر برای زیاد کردن مال یا خریدن ملکی که به آن احتیاج ندارد قرض کند نمی تواند آن قرض را از منافع سال بپردازد، ولی اگر مالی را که قرض کرده یا چیزی را که از آن قرض خریده به علتی از بین برود و ناچار شود قرض خود را بدهد می تواند از درآمدهای آن سال، قرض خود را ادا کند.

مسأله 35 - کسی که از اول سنّ تکلیف، خمس نداده و درآمدهایی پیدا کرده و وسایلی برای زندگی خود خریده است و الآن متوجه وظیفه خمس شده و می خواهد تکلیف خود را ادا کند، اگر مبلغی را ذخیره کرده و سال بر آن گذشته یا از منافع کسب، چیزی را که به آن احتیاج ندارد خریده و يك سال بر آن گذشته باید خمس آن را بدهد؛ اما اگر اثاث خانه و چیزهای دیگری که به آنها نیاز دارد خریده و بداند در بین سالی که در آن سال درآمد داشته آنها را از محل درآمد آن سال خریده است لازم نیست خمس آن را بدهد، ولی اگر نداند که در بین آن سال یا بعد از تمام شدن سال بوده باید با حاکم شرع یا نماینده او مصالحه کند، یعنی تمام اموال مشکوک خود را حساب می کند و حاکم شرع بدهی او را از جهت خمس به مقداری تخمین می زند و با او مصالحه می کند.

مسأله 36 - لباسهای متعدّد و همچنین انگشتر و زیور آلات و وسایل مختلف زندگی، اگر همه آنها مورد نیاز او باشد و از درآمد همان سال تهیه شده باشد خمس ندارد، ولی اگر زاید بر نیاز باشد، مقدار زیادی، خمس دارد.

مسأله 37 - پولی را که خرج خریدن وسایل حرام (مانند وسائل قمار، مشروبات الکلی و ابزارهای لهو و لعب) می کند به عنوان مخارج زندگی محسوب نمی شود و خمس دارد.

مسأله 38 - حقوق بازنشستگی و یا مبلغی که به عنوان بازخرید کار داده می شود جزء درآمد همان سال محسوب می گردد و اگر چیزی تا آخر سال از آن باقی نماند خمس ندارد، اما اگر زیاد بیاید، آن مقداری که زیاد آمده خمس دارد.

2- معدن

مسأله 39 - واجب است خمس چیزی را که از معادن طلا، نقره، سرب، آهن، مس، زغال سنگ، نفت، گوگرد، فیروزه، نمک و انواع فلزات و مانند آنها که عرفاً معدن نامیده می شوند به دست می آورند بدهند، مشروط به اینکه قیمت آن پس از محاسبه هزینه استخراج، به حد نصاب (بسیست دینار) برسد.

مسأله 40 - معدن، خواه در سطح زمین باشد یا در اعماق زمین، در زمین ملکی باشد یا در جایی که مالک ندارد، استخراج کننده آن مسلمان باشد یا غیر مسلمان، بالغ باشد یا غیر بالغ، در تمام این صورتها باید خمس آن پرداخته شود.

مسأله 41 - اگر کسی معدنی را که در ملک شخص دیگری است استخراج کند، آنچه از آن به دست می آید مال صاحب آن زمین است و چون صاحب ملک برای بیرون آوردن آن خرجی نکرده، باید خمس تمام آنچه از معدن استخراج شده بدهد، ولی اگر این کار به دستور او انجام گرفته هزینه آن بر عهده اوست و از درآمد معدن کم می شود.

مسأله 42 - معادن عظیمه که ارزش فوق العاده دارند مانند ذخایر بزرگ نفت و گاز، از اموال عمومی می باشند. اگر این معادن در ملک شخصی خاص کشف شود، باید قیمت عادلانه آن ملک به شخص مذکور پرداخت شود.

3- گنج

مسأله 43 - «گنج» مالی است که در زیر زمین، یا کوه، یا دیوار، یا درون درخت پنهان کرده باشند و طوری باشد که در عرف به آن گنج گفته شود.

مسأله 44 - اگر کسی در زمینی که ملک کسی نیست گنجی پیدا کند و مالک آن گنج به هیچ وجه شناخته نشود، مال خود اوست و باید خمس آن را بدهد؛ و نیز اگر در زمینی که از دیگری خریده گنجی پیدا کند و پس از پرسش و تحقیق بداند مال کسانی که قبلاً مالک آن زمین بوده اند نیست و صاحب دیگری برای آن یافت نشود، مال خود او می شود و باید خمس آن را بدهد.

مسأله 45 - وجوب خمس در گنج مشروط به حد نصاب است و نصاب آن بیست دینار است، یعنی اگر قیمت چیزی را که از گنج به دست آمده به این مقدار برسد خمس آن واجب است، اما اگر کمتر از آن باشد خمس آن واجب نیست.

مسأله 46 - هرگاه برای استخراج گنج، مخارجی پرداخته، مقدار آن را کم می کند و خمس بقیه را می دهد.

مسأله 47. اگر دو یا چند نفر گنجی پیدا کنند همه در آن شریکند و اگر سهم هر يك به حد نصاب برسد خمس دارد.

4- مال حلال مخلوط به حرام

مسأله 48 - اگر مال حلال شخصی با مال حرام مخلوط شود بطوری که نتواند آنها را از هم تشخیص دهد و مقدار مال حرام و همچنین صاحب آن، هیچ کدام معلوم نباشد، باید خمس تمام آن مال را بدهد و بقیه برای او حلال است.

مسأله 49 - هرگاه مال حلال با حرام مخلوط گردد اگر مقدار آن را بداند (مثلاً بداند يك سوم آن حرام است) ولی صاحب آن را نشناسد باید آن مقدار را به حاکم شرع یا وکیل او تحویل دهد.

مسأله 50 - اگر مال حلال با حرام مخلوط شود و مقدار حرام را نداند، ولی صاحبش را بشناسد، باید مصالحه کنند و یکدیگر را راضی کنند و چنانچه صاحب مال راضی نشود در صورتی که بداند مقدار معینی قطعاً مال اوست (مثلاً يك چهارم مال) و در بیشتر از آن شك داشته باشد باید مقداری را که یقین دارد به او بدهد و مقدار بیشتر را که احتمال می دهد مال اوست با او نصف کند.

مسأله 51 - هرگاه خمس مال حلال مخلوط به حرام را بدهد و بعد بفهمد مقدار حرام بیشتر از خمس بوده، باید مقداری را که می داند از خمس بیشتر بوده به حاکم شرع یا وکیل او تحویل بدهد.

مسأله 52 - اگر انسان بداند مال او با اموال دیگران مخلوط شده و مقدار آن معلوم باشد و بداند که مالک آن از چند نفر معین بیرون نیست، ولی نتواند مالک را بطور معین تشخیص دهد و هیچکدام از آنان هم نتواند مالک بودن خودش را ثابت کند، باید در بین همه آنها بطور مساوی تقسیم کند.

5- غوص

مسأله 53 - هرگاه انسان به واسطه فرو رفتن در دریا اشیاء گرانبهایی مانند لؤلؤ و مرجان و امثال آن از دریا بیرون آورد باید خمس آن را بدهد.

مسأله 54 - هرگاه بدون فرو رفتن در دریا جواهرات را با اسبابی بیرون آورند ، بنا بر احتیاط واجب باید خمس آن را بدهند.

مسأله 55 - ماهی و حیوانات و گیاهان دیگری را که از دریا می گیرند خمس ندارد، ولی جزء درآمد کسب حساب می شود که اگر در آخر سال چیزی از آن یا قیمت آن اضافه بماند خمس دارد.

مسأله 56 - جواهراتی که از رودخانه های بزرگ بیرون می آورند نیز خمس دارد.

مسأله 57 - کسانی که شغلشان فقط غواصی و بیرون آوردن اشیاء قیمتی از دریاست، هرگاه خمس آنها را بدهند و در آخر سال چیزی از مخارج سالشان زیاد بیاید لازم نیست دوباره خمس بدهند.

6- غنائم جنگی

مسأله 58 - هرگاه مسلمانان به دستور امام معصوم یا کقار جنگ کنند و غنائمی در جنگ به دست آورند باید خمس آن را بدهند، اما مخارجی را که برای حفظ غنیمت و حمل و نقل آن کرده اند از آن کم می شود.

مسأله 59 - هرگاه مسلمانان به اذن نایب خاص، یا نائب عامّ امام زمان (علیه السلام) در جنگ بر ضدّ کقار شرکت کنند و غنائمی به دست آورند باید خمس آن را بپردازند.

مسأله 60 - سلاحهایی که در جنگهای امروز در غنائم به دست می آید و مصرف شخصی ندارد، حاکم شرع و ولیّ امر مسلمین می تواند آن را در اختیار ارتش اسلام قرار دهد، یا در صورتی که صلاح بداند بین مسلمانان تقسیم کند.

مسأله 61 - غنائم جنگی که خمس آن را باید داد منحصر به غنائم منقول است که با دادن خمس ملك جنگجویان است، اما زمینهایی که از کقار با جنگ به دست می آید خمس ندارد و ملك همه مسلمین است.

7- زمینی که کافر ذمی از مسلمان می خرد

مسأله 62 - هرگاه کافر ذمی، یعنی کافری که به صورت يك اقلیت مسالمت جو در کنار مسلمانان زندگی می کند و شرائط ذمه را پذیرفته است، زمینی را از مسلمان بخرد باید خمس آن زمین یا یک پنجم قیمت آن را بپردازد.

مسأله 63 - هرگاه کافر ذمی زمینی را که از مسلمانی خریده به مسلمان دیگری بفروشد خمس ساقط نمی شود.

مصرف خمس

مسأله 64 - بر هر مسلمان مکلف لازم است هشتاد در صد خمس خود را به دست تهیدستان و یتیمان و نیازمندان (اعم از سادات و غیر سادات) برساند، و بیست در صد آن را به مراکز خیریه مورد اعتماد بدهد. در غیر این صورت، عمل او مبرء ذمه نیست و در برابر حق مستمندان و یتیمان، ضامن است.

مسأله 65 - سید بودن سادات از راههای زیر ثابت می شود:

1- دو نفر عادل سید بودن او را تصدیق کند.

2- در شهر و منطقه خود مشهور باشد که سید است.